



گذر اندرابی کابل

کوچه اندرابی نام یک فامیل بزرگ است که از اندراب بکابل نقل مکان نموده و در محوطه کنار دریای کابل بودباش را آغاز نمودند. بدین لحاظ مردم کابل آنها را اندرابی می گفتند. این خانواده بسمت شمال گذر که بنام باغ علم گنج شهرت داشت سرای کلان داشتند درین گذر تجارت حیوانات اهلی و پوست را می نمودند. اکثراً حیوانات را از ولایات شمال بکابل آورده درین سرای بفروش می رسانیدند. در جنب سرای گذر را برای بودباش اعمار نمودند که بنام اندرابی شهرت یافت. در زمان نادرشاه بسمت جنوب کوچه سرک اعمار شد که بنام سرک شاه دوشمشیره یا جاده کلاه دوزان مسما یافت. پس از تخریب سرای پوست دوزان به ساختمانهای کنار دریا نقل مکان نمودند که بنام جاده پوست دوزان یاد می گردید. در زمان ظاهرشاه سرک سالنگ وات اعمار شد که نوآباد ده افغانان را ازگذر اندرابی جدا نمود.



گذر اندرابی در زمان های قدیم



بند کلاه دوزان کنار گذر اندرابی

قدمات تاریخی و علل نام گذاری

پنگانی و معبد آسمانی (आकाश)

قدمات تاریخی این محل ارتباط دارد به تاریخ هندوهای کابل و مندیر آسمایی یا آسمانی است که به عوض زیارت شاه دو شمشیره قرار داشت. در آن زمان میدانی و راه وجود داشت که بطرف جوی شیر کوی آسماعی و معبد آسماعی در بلندی کوه قرار داشت میرفت. و میدانی وجود داشت که بنام پنگانی یاد میشد. که مردم برای نیایش و سفارش تجمع می نمودند. هندوها این محل را مقدس می شمردند زیرا کابل منشع

دریا بود. این دریا زمینهای از کابل الی پنجاب را سیراب می کرد. باید گفت معبد آسمایی در تایلند در فراز کوه اعمار گردیده است. هندوهای افغانی در انگلند امریکا و هالند معبدهای بنام آسمایی را اعمار نموده اند که قابل ستایش است.



معبد آسمایی در هالند



معبد های آسمایی در تایلند

نام گذاری گذراندرابی

پس از اینکه تیمور شاه درانی پایتخت افغانستان را به کابل انتقال داد . سردار مرادخان پوپلزایی را برای اعمار دکانها حمام و گذر های شهر کابل موظف نمود. وی تمام گذر ها را به نامهای رسمی در کابل اعلام نمود که از جمله گذر های یکی هم گذر اندرابی بود. دلیل اصلی که این گذر، به نام اندرابی در آن زمان مسمی شد این بود که، تیمور شاه درانی از ولسوالی اندراب و لایت بغلان دختری انتخاب کرد و با او ازدواج نمود، پس از ازدواج بستگان خانمش را تیمور شاه درانی از ولسوالی اندراب به کابل نقل مکان نموده و در همین محله، همه ی شان جا گزین شدند . سردار مراد خان به خاطر که مردم اندراب درین جا نقل مکان نموده سرای فروش حیوانات داشتند بنام اندرابی نام گذاری کرد . تا حال به این نام، این محل شهره شده است از آن ببعد ساختمان ها، مساجد و خانه های که درین محل اعمار گردید که همه آنها تاریخی و اخیراً از سوی دولت افغانستان اداره یونسکو و اداره کریم آغاخان در حفاظت قرار گرفته است . اداره یونسکو با پرداخت پول جلوگیری از تخریب دکان کلاه دوزان در دو طرف دریا نمود.

ممانعت خرقه مبارک مردم اندراب در دوران احمدشاه درانی

دوست ما بنام عین الدین اسدی نام گذر اندرابی را از زمانی احمدشاه بابا کبیر انتخاب نمودند. او نوشته است که نام اندرابی در زمان احمدشاه بابا شده است. او نوشته است : « احمدشاه بابا کوشید بعضی افتخارات دینی و مذهبی را نیز در قندهار مرکزیت دهد و به این طریق به شکوه و عرمت مرکز امپراتوری خود

ببیزاید. بدین جهت خواست که خرقة مبارک حضرت محمد (ص) را از فیض آباد به قندهار انتقال دهند.» شاه ولی خان وزیر اعظم را موظف این امر نمود. در اوایل مردم بدخشان مانع شدند. شاه ولی خان پس فکر زیاد به مردم گفتند که خرقة تا محل که سنگ قرار دارد میبرند. پس از آن سنگ را با اشتر بسته اول سنگ را انتقال می دادند و پس از خرقة را به تعقیبش بدین ترتیب از ادعا مردم بدخشان نجات یافتند. در محل اندریاب دوباره به ممانعت مردم دچار شدند.» راه انتقال خرقة مبارک را به روی سوارکاران احمد شاه بابا بستند و حتی دست به جنگ و جنجال زدند، این موضوع به احمدشاه بابا اطلاع داده شد وی از راه جنگ پیش نیامد؛ بلکه قاصدهای میانجی را به اندراب فرستاد، تحفه و هدایای زیادی به اشخاص صاحب نفوذ اندراب اهدا کردند و به آنها وعده دادند که برای مردمان اندراب در بهترین جای شهر کابل جای بود و باش می دهند، بعد از این مفاهمه و گفتگو مردم اندراب پیشنهاد کردند که نخست جای برای ما تعیین شود و سپس خود ما این خرقة را به قندهار انتقال می دهیم.» . محل را که مردم اندراب انتخاب کردند همان محل است که تا امروز بنام اندرابی یاد میشود. ولی ناگفته نماند که شهر کابل پس از حکومت بابر شهرت یافت. پس از آن افشاریان نیز در کابل مسکن گزین شدند. بدین لحاظ شاه ولی خان محل را در کابل بنام فامیل اندرابی قباله داده است. و ممکن یکی از دختران اندراب در نکاح صورتی تیمورشاه آمده باشد. زیرا پادشاهان سابق برای خاموش ساختن آشوب ، دختر یا پسر فرد نامدار محل را به نکاح دختر یا پسر خود در می آوردند. این نکاح اکثراً به بر بادی دختر تمام میشد. تیمورشاه دو قسم زن داشت یکی نکاحی و دیگری صورتی بود. که زنان صورتی اش زیاد بود. وی چهارده زن در حرامسرا داشت و به قول ی روزنامه‌چۀ خاصۀ خودش تعداد ازدواج تیمورشاه اعم از نکاح ی و صورتی به ۳۰۰ نفر بحساب آمده اند.

نام خانمهای نکاح شده تیمورشاه که در تاریخ ذکر است یاد آوری می کنیم.

- ۱ - دختر سردار نواب خان بارکزای ی مادر شهزاده همایون
- ۲ - دختر حاج ی جمال خان بارکزای ی مادر شهزاده محمود ، حاج ی فیروزالدین و سلطان شاه
- ۳ - گوهرشاه ، دختر شاهرخ میرزا نوسۀ نادر افشار
- ۴ - گوهر نساء ، دختر سلطان عزیزالدین محمد عالمگیر ثان ی ، مادر شهزاده هاشم ، شاهپور و شاهنور
- ۵ - دختر شهزاده یزدان بخش ، نواسۀ نادر افشار
- ۶ - دختر شاه پسند خان اسحق زای ی مادر شهزاده عباس و شهزاده کهندل

۷ - فاطمه دختر سردار قوم یوسفزای ی ، مادر شهزاده محمدخان (بعدها بعدها زمانشاه شجاع الملک ، شاه شجاع)

۸ - خدیجه سلطان ، دختر عباسقل ی خان بیات نیشاپور ی (امیر الامرا ی آن ولایت

۹ - دختر سردار قوم نورزای ی (خواهر سردار احمدخان پتیان خیل ی)

۱۰ - دختر بهرام خان فیروز کوه ی سردار آن جا

۱۱ - دختر عاقبت محمود خان کشمیر ی از متنفذان آنجا

۱۲ - دختر میرزا شربت علی ی خان از خوانین مردم چنداول کابل مادر شهزاده سلطان علی خان

۱۳ - دختر سردار گلستان خان اچکز ی ، مادر شهزاده اشرف ، مظفر و جهان والا

۱۴ - بیوه آزاد خان صوبه دار کشمیر

تعداد زوجات تیمورشاه حکایتگر وجود و عملکرد رسم اداره نظام قبیلو ی افغانستان است. سیاست آنزمان ایجاب می کرد برای اینکه خانان و پادشاهان را دوست سازد یا جلوگیری از آشوب نماید با یکی از فامیل این اشخاص نکاح می کرد.

گذر اندرابی چون مردم اندراب در آن زندگی میکردند به همان نام شهرت یافت. زیرا در کابل اکثر محلات بنام همان شخص و وجه یاد میشود. مثلاً ده بوری ده مزنگ قلعه فتح اله خان جای ریس و غیره

محل اندرابی یکی محلات پر جمع و جوش شهر کابل به حساب م ی آید. زیرا در بهترین موقیعت کابل قرار دارند. گویند عبدالرحمن خان اکثر اوقات در محله اندرابی ها با کاکه ها ی کابل نشست و برخاست داشت که در آن زمان ا ین ساحه از با طروات تر ین ساحات شهر ی به شمار م ی رفت.

گرچه بیشترین ساختمان های این محل تخریب شده اما از جمع ساختمانهای که از گذشته تا حال درین محل باقی مانده است تقریباً ۲۰۰ خانه است. در گذشته ها درین محل در آن زمان اشخاص سرشناس و اراکین دولتی زندگی داشتند. مادر امان الله خان ، غلام علی خان چرخ ی وزیر دفاع حکومت شاهی امان الله خان ، شاه غاسی ، سردار محمد عمر بچه امیر عبدالرحمان خان ، مقامات عالی رتبه حکومت داوود خان و برخی از شخصیت های فرهنگی و سرشناس در گذر اندرابی زندگی میکردند . دوست دیگر ما بنام **عزیز اله کهگدای** در سایت افغان جرمن روایت نوشته است که دو آن بدون باور و آخری امکان آنرا می دهد که حقیقت داشته باشد. ولی سرای اندرابی در زمان تیمورشاه اعمار شده که حیوانات اهلی و پوست فروشی بود.

دوست ما می نویسد: در زمان تیمورشاه درانی اندراب با حکومت مرکزی مناسبات نزدیک نداشت و والی که از کابل به اندراب مقرر شده بود، مردم او را پذیرفته ولی در امور

اندراب مداخله نه داشته باشد. وی جریان را به پادشاه نوشت، تیمورشاه به والی دستور داد تا از سه قوم اصلی اندراب، قبیله بای « یعنی ثروتمند »، قبیله خان و محمد زایی ها خواهش کند تا چند تن از جوانان خود را بکابل جهت مالقات بفرستند، آنها چند نفر را بکابل فرستادند و دربین شان جوان آدینه محمد از قبیله بای نیز بود. چندی بعد پدران جوانان جهت بازگشت فرزندان خود بکابل آمدند و از شاه اجازه بازگشت بکابل بمانند و برای رهایش شان محلی را انتخاب کنید آنها را به اندراب خواستند ولی تیمورشاه گفت که آنها عجالتاً تا برای خود خانه آباد و زندگی خود را پیش ببرند، آنها همین منطقه را انتخاب و بنام اندرابی شهرت یافت.

تبصره: در آن زمان اندراب از ۲۰۰ نفر نفوس نداشت و هم اندراب در آن وقت قریه به حساب می آمد والی یا نائب الکومه نداشت. در آن زمان حکومت بغلان قندوز بدخشان و ترکستان بود. در زمان تیمور شاه پوپلزایی ها خان بودند نه محمد زایی.

در زمان امیرشیرعلی خان یک تعداد از اهالی اندراب برای مراسم حج بیت اله نزد امیر مذکور بکابل آمدند تا اجازه و پاسپورت سفر را برای حج اخذ کنند، چون مردم اندراب با دولت همکاری نداشتند امیر آنها را به بهانه بعضی مشکلات منتظر ساخت و این انتظار دیر دوام کرد، بنابراین امیر شیرعلی خان برای اینکه آنها را تابع حکومت بسازد در همین گذر اجازه اقامت داد. آنها به آبادی منزل پرداخته و محله مذکور به گذراندرابی شهرت یافت.

تبصره: مردم افغانستان در زمان شیرعلی خان که به حج می رفتند گروهی و بدون ورق بود. مردم ایران و عراق به گروه های که به حج سفر می نمودند اجازه و احترام داشتند. سفر از دوماه قبل آغاز میشد و کاروانها از هر ولایت جمع شده از راه هرات به ایران و عراق به سعودی می رفتند. سرکاروان تنها ورق داشت که مردم را به حج میبرد. سرکشی و سلحشوری مردم اندراب و سرباز زدن از پرداخت مالیه، به بیت المال

امیر عبدالرحمان خان نامه عنوانی مرحوم سراج الدین خان حاکم اندراب نوشت « نامه مذکور در آرشیف ملی ثبت است » اما مردم اندراب باز هم از پرداخت این تقاضا سرباز زده جواب رد به حاکم اندراب سپردند. امیر امر نمود تا بصورت عاجل سران قوم ان ولایت را با فامیل های شان بکابل بفرستند تا در کابل به صنایع دستی و زراعت مشغول شوند. همان بود که بنام اندرابی مسمی شد، جا بجا در حدود یکصد و پنجاه فامیل از اقوام آنجا را به کابل فرستادند و در همین گذر که بعداً شدند و برای خود سرپناه و کار و باری تهیه نمودند. در جمله این سران قوم، ارباب تاتار خان، بابا جان خان و میرمحمد امیرخان نیز شامل بودند.

تبصره: تمام اندراب ۱۵۰ فامیل که ۷۵۰ نفر میشود نبود. مردم اندراب که بکابل آمدند شغل کار و بار حیوانات اهلی و پوست را داشتند. تا حال در کدام گوشه تاریخ شنیده نشده

که مردم اندراب در زمان عبدالرحمن خان از مالیه سرباز زده باشند. ممکن یکی دو نفر باشد. عبدالرحمن سربه نیستش می کرد.

نوت: مصاحبه بنده با کریم مارگیر در سال ۱۳۶۷ در زمان دوکتورنجیب اله صورت گرفت. کریم مارگیر مامای صادق عمری باجه بنده است. کریم مارگیر هم متیعقن بود که اول در سرای فروش حیوانات را اندرابی ها مینمودند سپس برای خود خانه ساختن بنام گذر اندرابی شهرت یافت.

۱. معلومات مختصر در مورد گذر اندرابی نوشته شاروالی کابل

<https://km.gov.af/255/%DA%AF%D8%B0%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D8%A8%DB%8C>

۲. گذر اندرابی و وجه تسمیه آن نوشته عین الدین اسدی

<https://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=3502>

۳. گذر اندرابی نوشته عزیزاله کهگدای در ویبساید افغان جرمن

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kohgadai_a_guzer_andrabi.pdf

۴. نامها و قصه های فلکوریک کابل مختصر معلومات راجع به گذر اندرابی نوشته بنده ده سال قبل ویبساید آریایی

<http://www.ariaye.com/dari9/tarikh/popai6.pdf>

۵. مصاحبه کریم پوپل با کریم مارگیر در سال ۱۳۶۸